

# تاریخ سازی مجموعه متون در ایران

پرویز تناولی

از فرهاد کوهکن تا علی اکبر حجار

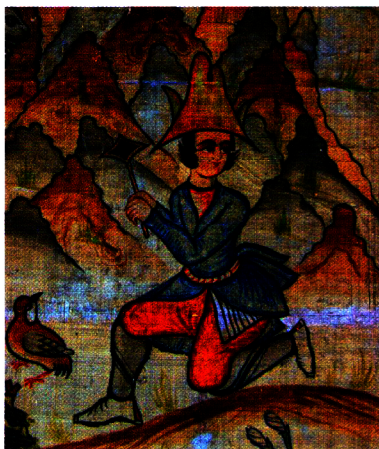
## فهرست

پیشگفتار	۹
فرهاد کوهکن	۱۱
مجسمه‌سازی ایران در آخرین روزها	۲۱
فقدان چند صدساله	۲۵
اولین نشانه‌ها	۳۱
توجه به پیکر انسان	۴۳
مجسمه‌های سفالی و لعابی	۴۹
رکود دوم و آغاز مجدد	۵۳
سهم شیراز	۷۳
فتحعلی‌شاه	۸۱
تخت مرمر	۸۳
تولد دوباره صخره‌تراشی	۹۱
چشمه علی	۹۳
تنگه‌واشی	۹۹
شکار شیر فتحعلی‌شاه	۱۰۷
فرزندان فتحعلی‌شاه و صخره‌تراشی	۱۰۹
ناصرالدین‌شاه آخرین	۱۱۵
صخره‌دوست قاجار	
چگونگی اجرای صخره‌تراشی	۱۱۹
باز هم شیراز	۱۲۱
نارنجستان، خانه زینت‌الملوک، باغ ارم و باغ گلشن	۱۲۵
سنگ‌قبر تصویری	۱۳۷
سنگ‌قبر ناصرالدین‌شاه	۱۴۵
سهم ناصرالدین‌شاه در مجسمه‌سازی	۱۴۹
حجازان قاجاری	۱۵۳
علی‌اکبر حجار	۱۵۵
آثار علی‌اکبر حجار	۱۵۷
کمال‌الملک	۱۶۰
تهران و مجسمه‌های باغ اتابک و بانک‌شاهی	۱۶۱
گچ‌بری تصویری	۱۶۳
مجسمه‌های عامیانه	۱۶۹
یادداشت‌ها	۱۷۹
کتابشناسی	۱۸۳
منابع خارجی	۱۸۵

## فرهاد کوهکن



۱. فرهاد کوهکن  
قسمتی از یک نقش برجسته در خانه‌ای مسکونی شیراز، اواسط قرن ۱۹م



۲. فرهاد کوهکن  
قسمتی از نقشه یک قالیچه تصویری آبرنگ و مرکب بر کاغذ  
اواخر قرن ۱۹م، مجموعه شخصی

جاذبه سحرانگیزی که افسانه‌های عاشقانه فرهاد و عشق شورانگیزش داشته، باعث شده تا عاشق‌پیشگی‌اش سایه غلیظی بر حرفه مجسمه‌سازی‌اش بیافکند و آن را به‌صورت بخشی از حکایت جانسوزش درآورد. اگر اشارات اندک مورخین قرون اولیه اسلام نبود، شاید می‌شد چند بیتی را هم که نظامی درباره حرفه فرهاد سروده، در مقابل سیل ستایشگری‌هایی که از عاشق‌پیشگی او کرده، نادیده انگاشت. اما این نوشته‌های اندک، از جمله همان چند بیت نظامی برای صفحات سفید تاریخ مجسمه‌سازی ایران ارزش بی‌حساب دارد و می‌بایست با دقت بررسی شود.

اولین و مهم‌ترین این نوشته‌ها، گفته‌ای از مسعربن مهلهل، جهانگرد عرب است. ابن‌مهلهل یا همان ابودلف، شاعر معروف عرب بیش از ۹۰ سال عمر کرد و در سال ۱۰۰۰-۹۹۹م بدرود حیات گفت. زمان سیر و سیاحت‌های وی از جمله سفرهایش به ایران بین سال‌های ۹۴۲ تا ۹۵۲م بوده است. وی در رساله دوم خود با عنوان *الرساله الثانیه* که از غرب ایران دیدن می‌کرده، در بخشی چنین آورده است: [ابودلف] «گفت تصویر در یک فرسخی شهر قرمیسین واقع و عبارت از مردی سوار بر اسب است که از سنگ ساخته شده و زرهی به تن دارد. زره مزبور و میخ‌هایی که بر آن کوبیده شده چنان می‌نماید که با هیچ بند آهنی به هم نیبوسته، به طوری که بیننده خیال می‌کند [آن مرد] در حال حرکت است. این نقش، تصویر ابرویز [پرویز] سوار بر اسب خود شب‌دیز است و روی زمین مانند ندارد. از آنجا به کوه بلندی به نام سمیره [می‌روید] که مشرف بر اطراف است و در آن تصویرهایی ظریف و نقش‌هایی زیبا موجود است که گفته می‌شود به‌دستور خسرو پرویز برای فرهاد حکیم ترسیم شده است.»<sup>۱</sup>

قرمیسینی که ابودلف به آن اشاره می‌کند همان کرمانشاه است و سمیره نام کوهی است که طاق بستان در آن قرار گرفته. در این حوالی تنها کوهی که تصاویر بدیع بر آن نقش شده، همان طاق بستان است. اگر منظور ابن‌مهلهل از این تصاویر بدیع؛ نقش‌ها و مجسمه‌هایی که در این طاق است، باشد، وی با همین یک جمله به حل مسئله مهمی در مجسمه‌سازی ایران فائق آمده و به اختلاف نظر پوپ و گیرشمن به نفع پوپ صحه گذاشته است. زیرا این پوپ است که به دنبال گفته هرتسفلد و کریستنسن مجسمه‌های این طاق را مرتبط با خسرو دوم (خسرو پرویز) شمرده و مرد سوار بر اسب انتهای طاق را خسرو دانسته است.<sup>۲</sup>

اما در مورد اشاره ابن‌مهلهل به حکیم بودن فرهاد، باید دانست که



ظاهر گردیدند. آغاز مجسمه‌سازی ایران؛ به مفهوم تصویرگرایی آن، ماجراهای شنیدنی دیگری هم دارد. از جمله صفوی‌ها که شیفته نقاشی اروپایی و شبیه به خودشان بر تابلو و دیوارهای کاخ‌هایشان بودند، در این زمینه، به مجسمه‌سازان واقعی نگذاشتند و کار آن‌ها را به حجاری زیر ستون محدود کردند. و در زمان زند و قاجار هم که دربار، محل رشد و نمو نقاشان بود و نقاش، مفتخر به اخذ عناوین و مشاغل مهم درباری می‌شد، هنوز مجسمه‌ساز استقلال نداشت و می‌بایست کار خود را زیر نظر نقاش‌باشی دربار انجام می‌داد. در اوایل قرن نوزدهم، اندک فرجی حاصل شد و حجار اجازه یافت نام خود را بر کارش ثبت کند و از آن پس و از قبل آثار تحسین برانگیزی که به‌وجود می‌آورد، توانست مورد توجه بیشتری قرار گیرد. اما هنوز نیم‌قرن لازم بود تا کارش استقلال کافی بیابد و با عنوان مجسمه‌ساز شناخته شود و این مهم بالاخره در اواسط قرن نوزدهم هجری و به‌دست علی‌اکبر حجار جامه عمل پوشید. فاصله زمانی بین فرهاد کوهکن و علی‌اکبر حجار بالغ بر چهارده قرن می‌شود. در طی این دوران به مجسمه‌سازی توجهی نشد و مجسمه‌ساز به آن درجه از اهمیتی که دیگر اصناف هنرمند رسیدند، نرسید. با این وجود، کار این صنف به آهستگی و با احتیاط پیش‌رفت و به‌رغم مشکلات فراوان، به نتایج غیرقابل باوری رسید. این کتاب، تلاش اصلی خود را بر مجسمه‌ها و پیکره‌های آدمی بنا نهاده و سیر تحولات آن را دنبال کرده؛ اما از مجسمه‌های حیوانات نیز غافل نبوده و این تصمیم و جامع نکردن آن بیشتر به‌سبب وفور مجسمه‌های حیوانی و جثه کوچک اغلب آن‌هاست.

گل‌ومرغ  
رنگ روغن روی مرمر  
کاخ گلستان، تهران



۳ • فرهاد کوهکن  
قسمتی از یک کاشی تصویری  
خانه‌ای مسکونی در شیراز  
اواخر قرن ۱۹م

۴ • فرهاد کوهکن  
کار علیقلی خوبی، خمسه نظامی  
چاپ سنگی، ۱۲۷۰هـ ق

حکیم، در گذشته تنها به معنای طبیب نبوده و مفهومی گسترده‌تر از آن داشته و به دانشمندان و همه‌دانان نیز اطلاق می‌شده و فرهاد شامل چنین مقامی بوده، زیرا وی علاوه بر صورتگری، در علم هندسه نیز تبخّر داشته است.<sup>۳</sup>

ابودلف داستان جالبی هم از خانه‌ای در کرمانشاه دارد. بنا به گفته صاحب آن خانه به ابودلف، آن خانه کار فرهاد کوهکن بوده است.<sup>۴</sup> و از قرار، فرهاد در معماری و مهندسی نیز دست داشته است. نکته جالب دیگر در مورد ابودلف، مخلوط نکردن افسانه‌های عشقی فرهاد با حرفه اوست. در این زمینه وی تنها کسی است که خبر خود را بر حرفه فرهاد استوار کرده، زیرا چنان‌که خواهیم دید وقایع‌نگاران و شاعران بعدی، عشق فرهاد را بر حرفه او ارجح شمرده‌اند.

تفسیر دیگر بر نوشته ابودلف عرب این است که وی احتمالاً از افسانه‌های عاشقانه فرهاد چیزی نمی‌دانسته، لذا خبر خود را بر کار فرهاد و زیبایی‌های آن پایه ریخته است، حال آن‌که افسانه‌های عشقی فرهاد در همین زمان در خوارزم و ماوراءالنهر و در دوهزار کیلومتری طاق بستان بین ایرانیان شناخته می‌شده، چنان‌که بلعمی (ف ۳۶۲ هـ ق) وزیر منصور سامانی علاوه بر کوهکنی، به عشق فرهاد به‌گونه زیر اشاره کرده است: «فرهاد فریفته این زن [شیرین]